

بررسی و تطبیق مضامین پایداری در شعر بهاء الدین الأمیری و قیصر امین پور^۱

سیف اله ملایی پشایی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۴

محمد مهدی روشن چسلی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۴

نعمان انق***

چکیده

عمر بهاء الدین الأمیری از ادیبان معاصر کشور سوریه است که با نگاهی ویژه به مسأله فلسطین در آثار خود توانست خدمات ارزنده‌ای به جامعه فلسطین عرضه کند و روح مقاومت را در کالبد ملت فلسطین بدمد. در مقابل قیصر/امین پور شاعر مقاومت فارسی از جمله ادیبانی است که تعهد نسبت به مسائل اجتماعی از جمله مسأله فلسطین بخش بزرگی از دغدغه‌های ذهنی وی بوده است. امید به رهایی، ستایش انقلابیون و ستم ستیزان، کودکان و نوجوانان کشور، بر ملا ساختن چهره رژیم اشغالگر، دعوت به قیام و پایداری، و ایجاد حس ملی گرایانه، از برجسته‌ترین مضامین پایداری این دو شاعر است. در این پژوهش سعی شده با محوریت این شش موضوع در شعر این دو شاعر، به بررسی و کشف مصادیق هم‌نوایی و تبیین تفاوت‌های نگاه آن‌ها پرداخته شود تا معلوم شود چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان ظهور می‌یابد و در نقطه‌ای دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد.

کلیدواژگان: بهاء الدین الأمیری، قیصر امین پور، شعر، فلسطین، مقاومت.

^۱ مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه پیام نور (استان گلستان) می‌باشد.

* استادیار گروه زبان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور

*** دکترای زبان و ادبیات عربی، استاد مدعو دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول: محمد مهدی روشن

مقدمه

آغاز قرن بیستم، نقطه شروع تحولاتی بزرگ در سطح جوامع انسانی بود؛ دستاوردهای بشر در حوزه فناوری، فراگیر شدن نهضت ترجمه، گسترش صنعت چاپ و انتشار مطبوعات از جمله این تحولات است. در حوزه ادبیات و شعر نیز شاهد تغییراتی جدی در لفظ و معنا هستیم. التزام و تعهد شاعران نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله این تغییرات است. شاعران از این تاریخ به بعد پژواک همه جریانات و تحولاتی شدند که انسان‌ها تجربه می‌کردند. آنان با اشعار خویش به کمک هم‌نوعان خود شتافتند و شعرشان را آینه تمام‌نمای مشکلات جامعه بشری قرار دادند.

در این میان نقش ادبیات و شعر مقاومت در ایجاد روحیه ایستادگی و جان فشانی مردم فلسطین غیر قابل انکار است. «شعر مقاومت به سان قهرمانی ایفای نقش می‌کند، به سان مبارزی که در خط مقدم جبهه نبرد با صهیونیسم و استعمار روبه‌رو می‌گردد. شاعر مقاومت ناقوس خطر را به صدا درمی‌آورد و پرچم مبارزه و پایداری را برمی‌افرازد و با مجد و ستایش شهیدان، مردم را به پایداری، فداکاری و جان فشانی فرا می‌خواند، اهداف استعمار را فاش و در برابر ننگی چون پیمان بالفور، ایستادگی می‌کند و اغراض شوم استعمار را بر ملا می‌سازد» (هاشم رشید، بی تا: ۱۳).

ادبیات و شعر مقاومت، نه‌تنها در فلسطین بلکه خارج از مرزهای آن، در جان و رگ همه انسان‌هایی که قلب‌های‌شان برای مظلومیت فلسطینیان و مبارزه و مقاومت برای تمسک به سرزمین مقدسشان می‌تپد، ریشه دوانیده است. در این میان عمر بهاء‌الدین /الأمیری شاعر معاصر سوری از افرادی است که قلب او خالصانه برای مردم فلسطین تپیده و فاجعه فلسطین بخش بزرگی از موضوع سروده‌هایش را شکل داده است. در مقابل قیصر/مین پور شاعر توانمند ایرانی، از جمله شاعرانی است که تعهد اجتماعی و مضامین پایداری بخش بزرگی از آثار شعری وی را به خود اختصاص داده است. امید به رهایی، ستایش انقلابیون و ستم‌ستیزان، کودکان و نوجوانان کشور، بر ملا ساختن چهره رژیم اشغالگر، دعوت به قیام و پایداری، و ایجاد حس ملی‌گرایانه، از برجسته‌ترین مضامین پایداری این دو شاعر است. این نوشته با گذری بر زندگی و افکار این دو شاعر و با طرح و تحلیل نمونه‌هایی از اشعار آن‌ها از زاویه‌ای تازه بر آن است تا مهم‌ترین

مضامین پایداری را در شعرشان مورد بررسی و کنکاش قرار دهد تا دریابیم شاعران چگونه با به تصویر کشیدن این مؤلفه‌ها، مقاومت و پایداری را با تکیه بر عناصر مهمی چون ادبیات پایداری ترویج می‌کنند. درباره پیشینه این تحقیق نیز باید گفت که درباره شخصیت بهاء الدین الأمیری تا کنون هیچ گونه تحقیقی داخل کشور انجام نگرفته و مقاله حاضر اولین پژوهش در زمینه معرفی این شخصیت ادبی در ایران است. البته در خارج از کشور مقالات و کتاب‌های فراوانی درباره ایشان نگاشته شده است که هر یک به جنبه‌ای از ویژگی ادبی ایشان پرداخته‌اند، اما در میان آن آثار نیز موضوع ادبیات پایداری به طور اختصاصی مورد نظر پژوهشگران نبوده است. در ادامه به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود: کتاب «عمر بهاء الدین الامیری شاعر الانسانية المؤمنة» (خالد بن سعود الحلیبی)، مقاله «التجدید الوزنی عند الشاعر عمر البهاء الامیری» (عمر خُوف). مقاله «شاعر الإنسانية عمر بهاء الدین الأمیری» (بکری شیخ/مین) و پایان نامه «القیم الروحیة فی شعر عمر بهاء الدین الامیری» (وائل مصباح محمود العرینی).

اما درباره شخصیت قیصر امین پور بر هیچ کسی پوشیده نیست که ایشان نگاهی ویژه به مسائل اجتماعی از جمله موضوع پایداری داشته‌اند و پژوهش‌های مختلفی نیز درباره این وجه از آثار ایشان نگاشته شده است از جمله «تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سمیع القاسم، حسن حسینی و قیصر امین پور» (کبری روشنفکر، مرتضی زارع برمی، حسینعلی قبادی)، «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور» (محمد رضا صرفی و سید رضا هاشمی)، «جنگ و کودکی در آثار قیصر امین پور» (مجید بهره‌ور و مریم نیکخواه). بنابراین نمی‌توان اذعان کرد بررسی موضوع ادب پایداری در شعر ایشان موضوع جدیدی است، اما از آنجا که این مقاله در محدوده ادبیات تطبیقی است و مستلزم یافتن پیوندهای شباهت میان این دو شاعر، بنابراین در کم‌تر جایی از مقاله حاضر از پژوهش‌های پیشین بهره گرفته شده است.

مختصری از زندگی و شعر بهاء الدین الأمیری

عمر بهاء الدین الأمیری در سال ۱۹۱۴م در شهر حلب سوریه از پدر و مادری سوری به دنیا آمد. در همان شهر مراحل ابتدایی تا دبیرستان را پشت سر گذراند و سپس برای

ادامه تحصیل در رشته ادبیات و زبان شناسی عازم دانشگاه سوربن فرانسه شد. سپس به سوریه برگشت و در دانشگاه سوریه حقوق خواند. بعد از فارغ التحصیلی سرپرست کانون عربی اسلامی شهر دمشق شد و در آنجا به تدریس علوم اجتماعی، روان‌شناسی، اخلاق، تاریخ، تمدن پرداخت و نهال اندیشه‌های اسلامی را در وجود دانشجویان رشد داد. سپس به وکالت پرداخت، او در این شغل نمونه‌ای از یک وکیل عادل بود که جز جانب حق را دنبال نمی‌کرد، او در همایش‌های وکلا شرکت می‌کرد و در آنجا همچون ستاره‌ای می‌درخشید و پیشنهادهای او در آن محافل تأثیری عمیق در دیگران داشت و از این طریق شخصیت او در سوریه مطرح شد و حکومت او را به عنوان نماینده خود در کشور پاکستان برگزید. /میری در پاکستان خوش درخشید و توانست پیوند محبت و دوستی را بین آن دو کشور محکم‌تر کند. /میری سپس سفیر کشور خود در عربستان شد اما پس از چندی به دلیل وقوع برخی مسائل سیاسی از کار برکنار و مدتی زندانی شد، اما در سال ۱۹۶۵ از طرف یکی از دانشگاه‌های مغرب برای تدریس تمدن اسلامی دعوت و ۱۵ سال در آنجا به تدریس می‌پردازد و بالأخره در سال ۱۹۹۲م دیده از جهان فرو می‌بندد (محمود العرینی، ۲۰۰۷: ۲۴).

شخصیت /میری به گونه‌ای بود که پیوندی عمیق با شعر و ادبیات داشت. به طوری که سعی می‌کرد حتی در سخنرانی‌های خود هم از کلام موزون و مقفی بهره گیرد. /میری از ۹ سالگی شروع به سرودن شعر کرد و اولین دیوان شعری خود را در سن ۱۸ سالگی سرود، او به مشکلات و مسائل مسلمانان اهتمام فراوانی داشت، به طوری که بخش بزرگی از دواوین شعری او را تشکیل می‌داد، در این راستا یکی از دواوین خود را با عنوان «حجارة من سجيل» به قضیه فلسطین اختصاص داد، علاوه بر اینکه شاهد قصایدی پراکنده در سایر دواوین شعری او در این موضوع هستیم. /میری از تأثیرگذارترین شاعرانی است که درباره فلسطین شعر سروده است، زیرا او از کودکی با قضیه فلسطین همراه بود و خود او در سال ۱۹۴۸م در میان ارتش آزادی بخش فلسطین در قدس حضور داشت، مسأله فلسطین آنقدر روح و فکر شاعر را به خود مشغول کرده بود که برخی از ناقدان بر این باورند که قلب هیچ شاعری به اندازه /میری در غم مردم فلسطین مشغول نبوده است (نوری بکار، ۲۲۷: بی تا). /میری در انقلاب الجزائر و جنبش

آزادی «الصحراء» در مغرب حضوری فعال داشت و با شعر خود در بسیاری از همایش‌ها و گردهمایی‌ها که به مسائل مسلمانان مربوط می‌شد شرکت می‌کرد. در کنار این موضوع، خانواده او بخش وسیعی از دواوین شعری او را تشکیل می‌دهد. او در این اینگونه اشعار با عاطفه‌ای سرشار از پدر، مادر، و فرزندان خود سخن می‌گوید.

احساس و عاطفه سرشار از ویژگی‌های شعر/امیری است. شاید کم‌تر شاعری به اندازه وی این وجه از شعر او پر رنگ باشد. دیوان شعری «مع الله» وی یکی از نمونه‌های حضور این احساس سرشار است. همچنین دیوان شعری «أب» چون گوهری در میان اشعار عربی جلوه می‌کند (قمیحه، ۱۹۸۱: ۲۱۱).

/امیری از شاعران پرکار بود و بیش از ۲۰ دفتر شعری از او به یادگار مانده است. از آن جمله «مع الله»، «ألوان طیف»، «ملحمة جهاد»، «الأقصى وفتح والقمة»، «من وحی فلسطين»، «أب»، «أشواق وإشراق» و «ملحمة النصر».

مختصری از زندگی و شعر امین پور

قیصر/امین پور در سال ۱۳۸۸ در روستای گتوند شهرستان دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در گتوند و متوسطه را در دزفول سپری کرد و در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد ولی پس از مدتی از این رشته انصراف داد و در سال ۱۳۶۳ وارد رشته زبان و ادبیات فارسی شد و تا مقطع دکترا این رشته را ادامه داد. قیصر از افرادی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی تأثیرگذار بود (اقتصادی نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۸). قیصر شاعری با روحیه‌ای عدالت‌جو و ظلم‌ستیز بود و تا آخرین آثار خود از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود دست نکشید. وی پس از یکسری بیماری‌ها در سال ۱۳۸۶ در تهران در گذشت.

حیات شعری قیصر را می‌توان به سه دوره عملگرایی انقلابی، انفعال و واخوردگی آرمانی و درونگرایی، تقسیم کرد (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۰). در دوره نخست صدای انقلابی شاعر در قالب زبانی تند و تپنده شکل می‌گیرد و روح انقلابی بر او غلبه دارد. مجموعه شعری «تنفس صبح» از آثار این دوره است. در دوره دوم رمانتیسمی حامل یأس و شک

و غربت شاعر را فرا می‌خواند و شاعر به خود و من فردی‌اش می‌اندیشد. مجموعه شعری «آینه‌های ناگهان» از آثار این دوره است. اما در دوره سوم صدای درون شاعر بیش‌تر به گوش می‌رسد. شاعر در این دوره به دنبال تعمیق در تفسیر هستی و بسط دایره اندیشگی است. مجموعه شعری دستور زبان عشق نمونه‌ای از نتایج این دوره است (همان: ۱۰-۳۰ با تلخیص).

قیصر در کنار سلمان هراتی و سید حسن حسینی آغازگر و ترویج دهنده حرکت و جریان‌ی تأثیرگذار در شعر معاصر هستند. مهم‌ترین شاخصه‌های این جریان شعری، نمود باورهای دینی و تعهد ملی بود که در چارچوب آن، سلحشوری، از جان گذشتگی و خلوص رزمندگان و شهیدان جنگ به صورت موضوع و مضمون شعری درآمدند. قیصر را «سکان دار شعر انقلاب» و «سرآمد اقران خویش» لقب داده‌اند (علی زاده و باقی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

مضامین پایداری در شعر الامیری و امین پور

امید به رهایی

شاعران بزرگ در آثار خود به این بعد از تجربه خویش، یعنی امید به رهایی و مبارزه با یأس و ناامیدی در راه رسیدن به پیروزی و سعادت پرداخته‌اند زیرا این فقط انسان نیست که با امید زندگی می‌کند، ملت‌ها و طبقات اجتماعی نیز با امید و ایمان و شکیبایی زندگی می‌کنند و اگر این عناصر بالقوه را از دست دهند، نابود می‌شوند. «از بنیادهای برجسته شادی و عشق و شاید کارآمدترین آن در زندگی، امید است. کدام اندوه و رنج را می‌توان شناخت که با داروی جان بخش امید، تحمل پذیر نباشد و کدام کوه غم، توانسته دل‌های پر از امید را بساید و از تپش باز دارد؟ زیرا امید فرایند فعالی است که جان را از رکود و افسردگی می‌رهاند» (عمادی، ۱۳۷۰: ۳۷۱). امید به رهایی نزد هر شاعری می‌تواند دارای ویژگی‌هایی باشد به طوری که در نزد برخی با گرایش‌های مذهبی جلوه می‌کند. الامیری نیز از این گروه از شاعران است، او همیشه سعی کرده تا اشعار خود را با عبارات و تصاویر قرآنی آمیخته و از این طریق بر عمق و اثر سروده‌های خود بیفزاید. «در ادبیات پایداری همه ملت‌ها، نوید و امید به پیروزی همواره هست؛ اما

در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان دینی با بهره گیری از وعده الهی، امید به فتح مطرح می‌شود» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۵).

الأمیری نیز در اشعار خود ضمن دعوت به مقاومت، همواره اندیشه القای امید به آینده در روح ملت فلسطین را در سر می‌پروراند. وی می‌کوشد با نوید شکست بی تردید ستم و پیروزی حقیقت و عدالت، بارقه امید را در قلب‌ها روشن نگاه دارد. بدون شک مسلمان بودن فلسطینیان، عنصر مهمی است که امید به پیروزی را در اندیشه او تقویت می‌کند. در این میان آیات قرآن، یکی از معیارهای مقاومت و سرمشق بسیاری از اشعار انقلابی الأمیری به شمار می‌آیند. وی همواره سعی می‌کند با بهره گیری از آیات قرآن، امید را در دل ملت فلسطین بیش‌تر جای دهد؛ چنانچه در قصیده‌ای با عنوان «نصر من الله» اینچنین می‌سراید:

«من الله... / من أقداره... / جل قدره، / تنزل هذا «الفتح» / فالنصر.. نصره..» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۱۵)

- از جانب خداوند است... / از تقدیرهای اوست... / بزرگ باد مقام او، / این «فتح» نازل شده است / پس این پیروزی.. پیروزی اوست..

این جملات ما را به یاد فتح مکه توسط سپاه اسلام و مژده خداوند به پیامبر اسلام قبل از این اتفاق می‌اندازد: ﴿نصر من الله وفتح قريب﴾ (صف/۱۳). سپاه اسلام در دیده الأمیری، الگوی مناسبی برای پایداری ملت خویش در برابر مشرکان معاصر است؛ به گونه‌ای که می‌توان امید به پیروزی سپاه اسلام در مقابل مشرکان مکه را سرمشق این شاعر برای ادامه مقاومت و امید به پیروزی در برابر اشغالگران دانست و این تأثر از امیدواری سپاه اسلام در جای جای اشعار انقلابی وی دیده می‌شود.

الأمیری معتقد است که سرزمین فلسطین را خداوند مقدّس و دارای احترام دانسته و خود از آن محافظت خواهد نمود و آن را در نهایت به دست مؤمنان خواهد سپرد. او معتقد است که این پیروزی از حکمت‌های خداوند است که باید به انجام برسد و در سراسر جهان نور حاصل از آزادی و پیروزی آن پخش خواهد شد:

«وبأمره.. / وحكمته في حكمه / تم أمره.. / وإن له عمقاً.. / وأفقاً، على مدى من الدهر.. / لن يرتد.. / قد ذر فجرة..» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۱۶)

- و به دستور او/ و حکمت او در فرمانروایی‌اش/ دستورش صادر شده است.. و آن دستور عمیق است/ و افقی دارد به درازای روزگار.. هرگز برگشت نمی‌پذیرد/ روشنی این نوید در سراسر جهان پخش شده است
/امین پور نیز از شاعرانی است که همواره قلب او برای مردم مظلوم فلسطین تپیده و بارقه امید به رهایی را در سروده‌های خود گسترانده است. وی در شعر «پنجره» در قالبی نمادین حال مردم مظلوم فلسطین را به تصویر می‌کشد امید دارد که با وجود شرایط سخت و ظالمانه در انتظار آزادی هستند. در این سروده پنجره، نماد آزادی و روزهای پر امید آینده است:

در انتهای کوچه شب، زیر پنجره قومی نشسته، خیره به تصویر پنجره
(امین پور، ۱۳۹۱: ۳۴۸)
/امین پور در این سروده روز آزادی و رهایی مردم فلسطین را بسیار نزدیک می‌داند و معتقد است کلید این فتح و گشایش جز در پایداری و استقامت نیست:

تا آفتاب را به غنیمت بیاوریم یک ذره راه مانده به تسخیر پنجره
جز با کلید ناخن ما و نمی‌شود قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره
(همان: ۳۴۹)

/امین پور در سروده‌ای دیگر و در فضایی وسیع‌تر معتقد است که در آینده‌ای نزدیک ظلم و ستم از دنیا رخت بر خواهد بست و صلح و آرامش دنیا را فرا می‌گیرد. در آن روز سلاح‌های جنگی دیگر کاربردی نخواهد داشت و لباس‌ها و ادوات جنگی را باید از موزه‌ها سراغ گرفت:

«و خواب در دهان مسلسل‌ها/ خمیازه می‌کشد/ و کفش‌های کهنه سربازی/ در کنج موزه‌های قدیمی/ با تار عنکبوت گره می‌خورند/ روزی که توپ‌ها/ در دست کودکان/ از باد پر شوند» (همان: ۲۳۸)

اما نکته مهم‌تر در این گونه از اشعار قیصر این است که شاعر در بیش‌تر این سروده‌ها برای به تحقق پیوستن این صلح به ظهور یک مصلح ایمان دارد و این مصلح همان حضرت مهدی(ع) است. قیصر در قطعه «صبح بی تو» از مدینه فاضله‌ای سخن می‌گوید که با ظهور منجی موعود محقق می‌شود:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد
(همان: ۴۰۹)

و در قطعه «فصل تقسیم» از بهاری سخن می‌گوید که در پی آن تمامی مشکلات
جهان رفع می‌شود:

چشم تو لایحه روشن آغاز بهار طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها
(همان: ۳۵۶)

نمونه‌های دیگر این عقیده را می‌توان در قطعه‌های «عید»، «بفرمایید»، «پیشواز»،
«مهمانی» و «لحظه‌های کاغذی» مشاهده نمود.

ستایش انقلابیون و ستم ستیزان

شهید و فرهنگ شهادت، شاخصه‌ای است که دین اسلام برای آن ارج بزرگی در نظر
گرفته است. از نظر اسلام، کسانی که در راه خدا جانفشانی می‌کنند و جان خود را از
دست می‌دهند، نه تنها مرده نیستند؛ بلکه زندگانی هستند که در نزد خدای خود
آرمیده‌اند؛ مانند این سخن خداوند: ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران / ۱۶۹).

یکی از جلوه‌هایی که در شعر مقاومت/الأمیری به وفور دیده می‌شود، ستایش
انقلابیون مبارز است. وی همواره، انقلابیون ملتّی که جان خود را فدای رسیدن به آزادی
و ایجاد یک جامع جدید منطبق با ارزش‌های اسلامی می‌کنند، می‌ستاید. این نوع از
ستایش و تکریم در شعر/الأمیری، تنها به کشور فلسطین محدود نمی‌شود؛ بلکه قهرمانان
ملت‌های دیگر عرب را نیز در بر می‌گیرد. الأمیری در قصیده‌ای با عنوان «عروس
السماء» در رثاء و تمجید از سناء محیدلی دختر نوجوان لبنانی هفده ساله که با بستن
مواد انفجاری به بدن خود باعث هلاکت ده‌ها اشغالگر صهیونیستی شد اذعان می‌دارد که
سنا با این اقدام خود بذره‌های مقاومت و ایستادگی را در دل یاران مقاومت کاشته و
آن‌ها را به سربلندی در جنگ با دشمنان، و فداکاری و ایثار فرا خوانده است:

«تبینتُ أنکِ نبت الهدی... / هدی الله... / نبت السنا والسناء...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۱۹)

- برایم به وضوح معلوم شد که تو بذر هدایتی... / هدایت خداوند... / بذر روشنی و سربلندی...

و در جایی دیگر از این قصیده می‌گوید:

«وتدعو ذویها.. / وإخوانها... / وکل الرجال.. / وکل النساء.. / إلی المجد، / فی حرب أعدائنا... / إلی تضحیات هدی.. / واقتداء...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۱۸)

- و خویشان خود را فرا می‌خواند... / و برادرانش را... / و تمام مردان... / و تمام زنان را... / به سوی سربلندی، / در جنگ دشمنانمان... / به هدایت و پیروی از فداکاری‌ها

/الأمیری در اشعار خود همواره بر حقیقت‌مندی تأکید دارد که آن حقیقت، همان مرگ قهرمانانه است. این ملت، جهاد در راه آرمان‌های خویش را مقدس داشته و این امر در نزد آنان تبدیل به یک ارزش ملی شده است؛ علی‌رغم اینکه شهادت سلحشوران فلسطینی، یک فاجعه بزرگ به شمار می‌آید.

/امین پور نیز در اشعار خود به وفور از شهیدان دفاع مقدس یاد می‌کند. کلمات شهید و شهادت در اشعار او از بسامد بسیار زیادی برخوردار است که این امر نشان‌دهنده جایگاه ویژه شهیدان در نزد شاعر است. /امین پور در بیش‌تر این سروده‌ها به مقام والای شهیدان غبطه می‌خورد، شهیدانی که همچون سرو با قامتی راست ایستادگی کردند و سبزی و جوانی خود را در راه عقیده شان نثار کردند. رنگ سبز در اشعار /امین پور اکثراً در ارتباط با شهید و شهادت است و نمادی برای جاودانگی، طراوت، نشاط و پختگی:

«خوشا چون سروها استادنی سبز / خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز / خوشا چون گل به فصلی سرخ مُردن / خوشا در فصل دیگر زادنی سبز» (امین پور، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

/امین پور در جایی دیگر با بهره‌گیری از رنگ سبز به جاودانگی شهیدان اشاره می‌کند و شهادت آن‌ها را سرآغاز رویشی دیگر می‌داند:

«این سبز سرخ کیست؟ / این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟ / ... او را چنان که خواست / با آن لباس سبز بکارید / تا چون همیشه سبز بماند / تا چون همیشه سبز بخواند / او را وقتی که کاشتند / هم سبز بود، هم سرخ / آنگاه آن یار بی قرار / آرام در حضور خدا آسود / هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد / اما / این ابتدای سبزی او بود...» (همان: ۲۳۳)

از نظر /امین پور مرگ سرخ یا همان شهادت جاودانه‌ترین طرز بودن است:

کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن کاین شیوه جاودانه ترین طرز بودن

(همان: ۱۲۹)

در نگاه شاعر شهادت نه تنها مرگ نیست بلکه مفهوم تازه‌ای به زندگی می‌بخشد:
«چو برگ ز روی شاخه افتاد و گذشت/ یک فصل در این زمانه استاد و گذشت/ گویی
به زبان دیگر گونش/ مفهوم دگر به زندگی داد و گذشت»
/ امین پور همواره سعی کرده تا واژه شهید را با الفاظی از جنس شهادت همراه سازد،
وی در شعر «شهیدان» واژه شهید را در کنار کلماتی چون نور، چشمه و آب به کار
می‌برد:

شهیدان را به نوری ناب شویم درون چشمه مهتاب شویم
شهیدان همچو آب چشمه پاکند شگفتا آب را با آب شویم؟

(همان: ۴۵۷)

و در شعر «بر آستان بهار» عظمت شهدا را اینگونه می‌ستاید:
خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد گل غنچه شد تا قرص ماهت را ببوسد

(همان: ۱۹۴)

کودکان و نوجوانان امید آینده فلسطین

مسأله کودکان فلسطینی و پایداری آنان در دفاع از وطن از مهم‌ترین موضوعات در
حیطه ادب مقاومت است، به طوری که اکثر شاعران مقاومت بدان موضوع پرداخته‌اند.
/ الأمیری نیز در اشعار خود بیش‌تر توجه و عنایت خود را به کودکان و نوجوانان انقلابی و
مبارزی معطوف کرده که مقاومت و دفاع از وطن را با دست‌ان خالی و تنها با تکه‌های
سنگ، به جهانیان نشان می‌دهند. / الأمیری در این اشعار با استفاده از انواع تصاویر هنری
و نیز اسلوب‌های قصصی، تصاویری یکتا از مبارزه طلبی‌ها، رشادت‌ها و فداکاری آنان ارائه
می‌دهد. / الأمیری در قصیده‌ای با عنوان «طفل فلسطین المارد» کودکان فلسطین را به
شهبابی تشبیه می‌کند که به سبب اراده محکمی که دارند حتی پس از آزادی از زندان
دوباره به عرصه مقاومت و جهاد وارد می‌شوند و با سر دادن ندای «الله اکبر» در راه
عقیده خود محکم ایستاده‌اند:

«وانبری من سجنه، / مثل شهاب... / و تحرر... / عقد العزم أبیاً / ومضى لا يتعثر... / صائحاً:
الله أكبر...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۲۶)

- از زندان رها گشت، / همانند شهاب سنگی... / و آزاد شد... / تصمیمی استوار
گرفت / و به راه افتاد بدون هیچ تزلزلی... / در حالی که ندای الله اکبر سر می‌داد...
در جایی دیگر از این سروده کودکان فلسطین را به گردباری تشبیه می‌کند که آتش
حملات دشمن را به مبارزه فرا می‌خواند:

«یتحدى النار / کالاعصار...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۲۷)

- آتش را به مبارزه فرا می‌خواند / همانند گردباد...

در این قصیده / الأمیری رمز مقاومت و پایداری کودکان فلسطینی را در همراهی آن‌ها
با قرآن می‌داند، آن‌ها تربیت یافته قرآن هستند به همین خاطر هیچ چیزی نمی‌تواند
آنان را از راه رسیدن به هدفشان منصرف کند:

«صائحاً: الله أكبر... / کفه اليسرى تضمن الجرح، / فى الصدر المعفر... / واليد اليمنى بها
القرآن... / ملء الكون... یزار... / وهو یشتد... ولا یرتد / یمضى کالغضنفر... / صائحاً: الله أكبر»
(الأمیری، ۱۹۷۱: ۲۷)

- الله أكبر گویان... / دست چپش زخم برداشته، / سینه‌ای چون شیر دارد... / و در
دست راست او قرآن است... / غرش می‌کند و وجود را فرا می‌گیرد... / او استوارتر
می‌شود و تردیدی به خود راه نمی‌دهد / همانند شیر راه می‌رود... / در حالی که
ندای الله اکبر سر می‌دهد

الأمیری در قصیده‌ای دیگر با عنوان «الأطفال الزلزال» در تمجید از مقاومت کودکان
فلسطین اذعان می‌دارد که ندای «الله اکبر» آنان لرزه به اندام اشغالگران انداخته است:

«الله أكبر... دوت، / تزلزل الکفار...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۲۳)

- ندای الله اکبر طنین انداز شده است، / و کفار را به لرزه اندخته است...

در این قصیده / الأمیری معتقد است که ندای «الله اکبر» این کودکان فلسطینی در
همه جا پیچیده است و نوید بیداری جهانیان می‌دهد:

«هی للغيوب تنادی: / أن الزمان استدار... / فصحوه تنامی... / قد عمّت الأمصار»

(الأمیری، ۱۹۷۱: ۲۳)

- این فریاد ندا می‌دهد: که زمانه خواهد چرخید.../ و بیداری رشد خواهد کرد.../ و تمام سرزمین‌ها را فرا خواهد گرفت
/ امین پور نیز کودکان و نوجوانان سرزمین خود را می‌ستاید و شهادت طلبی را جزئی از وجود آن‌ها می‌داند که در هنگام احساس خطر نسبت به سرزمین خود شعله‌ور می‌شود.

در شعر «حضور لاله‌ها» گویی که این نوجوانان به بلوغ هستی رسیده‌اند و از اینجاست که شهادت در وجودشان چنین فراگیر شده است:

«باز هم اول آمده بود/ و معلم آرام/ اسم‌ها را می‌خواند:/ اصغر پور حسین! / پاسخ آمد/
- حاضر/ قاسم هاشمیان! / پاسخ آمد/ - حاضر/ - اکبر لیلزاد.../ پاسخش را کسی از جمع
نداد/ بار دیگر هم خواند:/ - اکبر لیلزاد! /... / پاسخش را کسی از جمع نداد/ بار دیگر هم
خواند:/ - اکبر لیلزاد! /... / پاسخش را کسی از جمع نداد/ همه ساکت بودیم/ جای او
اینجا بود/ اینک، اما تنها/ یک سبد لاله سرخ/ در کنار ما بود/ لحظه‌ای بعد معلم سبد گل
را دید/ شانه‌هایش لرزید/ همه ساکت بودیم/ ناگهان در دل خود زمزمه‌ای حس کردیم/
غنچه‌ای در دل ما می‌جوشید/ گل فریاد شکفت! / همه پاسخ دادیم/ - حاضر! / ما همه
اکبر لیلزادیم!» (امین پور، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

و در جایی دیگر بیان می‌کند که نوجوانان شهید از نسل حسین فهمیده هستند و از همان کودکی راز جاودانگی شهیدان را درک کرده‌اند:

تو همچون غنچه‌های چیده بودی که در پرپر شدن خندیده بودی
مگر راز حیات جاودان را تو از فهمیده‌ها فهمیده بودی؟

(همان: ۲۶۵)

/ امین پور در جایی دیگر می‌گوید که همه باید سرباز میهن خود باشیم و شجاعانه در برابر دشمنان زمانه بایستیم، کودکان با سلاح قلم و بزرگ‌ترها با تفنگ:

«من به خود می‌گفتم/ باید این مسأله را حل بکنیم/ حاصل مدرسه منهای چهار/
می‌شود مدرسه منهای هزار/ می‌شود مدرسه منهای بهار/ باید این مسأله را حل بکنیم/
من به دنبال قلم می‌گشتم/ پدرم نیز به دنبال تفنگش می‌گشت» (همان: ۱۳۸)

بر ملا ساختن چهره رژیم صهیونیستی

رفتار ظالمانه اشغالگران صهیونیست در سرزمین فلسطین و قتل و کشتار مردم مظلوم این دیار، نقش مهمی در بر ملا کردن خوی جنایتگری آنان دارد تا جایی که فراموش کردن این جنایات را برای نسل‌های بعد نیز ناممکن می‌سازد. از جمله موضوعاتی که در شعر پایداری/الأمیری جلوه می‌کند، بیان بیدادگری‌ها و جنایات رژیم صهیونیستی است که از انواع مهارت‌ها برای شکنجه و ستم به مردم فلسطین استفاده می‌کنند. /الأمیری یکی از قصاید خود را با عنوان «انتصارات یهودیه» (پیروزی‌های یهود) به این موضوع اختصاص می‌دهد. در این سروده شاعر در ابتدا سربازان آن رژیم را با صفاتی مورد نداد قرار می‌دهد که در فضای تبلیغاتی غرب در مورد آنان به تصویر کشیده می‌شود، سربازانی که رمز استقامت و تمدن هستند اما در ادامه با نوعی ریشخند پرده از واقعیت‌ها برمی‌دارد و بیان می‌دارد که مهارت آن‌ها و رمز ایستادگی آنان در شکنجه کودکان مظلوم فلسطین است. کودکانی که ابتدا خانه آن‌ها را ویران ساخته‌اند و سپس به شکنجه خود او پرداخته‌اند:

«أ جنودَ «اسرائیل».../ یا «رمز» الجدارة.../ والحضارة...!!/ هیآ... تنادوا بالسلح.../
وبالضراوة.. والجسارة../ وتکاثروا.. وتکابلوا.../ واستنفدوا أقصى المهارة...!!/ لتعذبوا الطفل
البریء/ وتشتتموا «کفراً» شعاره/ ولتهزموه.. وتهدموه/ کما هدمتم قبلُ داره...!!» (الأمیری،
۱۹۷۱: ۴۰)

- ای سربازان اسرائیل.../ ای نماد شایستگی.../ و تمدن...!!/ زود باشید... به گرفتن سلاح فراخوانید.../ و به شهامت .. و جسارت.../ و نفرات خود را بیش‌تر کنید... و آن‌ها را دست بند زنید/ و جدیدترین شیوه‌ها را به کار گیرید...!!/ تا کودک پاک را شکنجه دهید/ و او را که شعار او «کفر» است ناسزا گوئید/ تا او را شکست دهید... و خرد کنید/ همانطور که از قبل خانه او را ویران ساختید...!

در ادامه این سروده بار دیگر /الأمیری با ریشخندی تند پرده از جنایت دیگری برمی‌دارد، او بیان می‌کند که کشتن کودکان مظلوم فلسطینی به نوعی تفریح آن سربازان تبدیل شده که با انجام آن عمل به شادی و خوشی می‌پردازند. /الأمیری تاریخ را

مورد ندا قرار می‌دهد و از آن می‌خواهد که این جنایات را که در نظر غربی‌ها و خودشان پیروزی است در تاریخ ثبت کند تا آیندگان به قضاوت درباره آن بنشینند.

«هیای... اقتلوا الطفلَ الفلسطيني / واتخذوا عَصَاة... من دمعه.. ودمائه.. وتبادلوا الكأس المُدارة / سجّل أيا تاريخُ، للجيش اليهودي انتصاره...!!» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۴۰)

- زود باشید.../ کودک فلسطینی را بکشید/ و بگیرید عصاره .../ اشک .. خون او را/ و

جام‌های شادی را بگردانید/ ثبت کن ای تاریخ/ پیروزی سربازان یهود را

یکی از مهارت‌های الأمیری در سرودن این گونه از قصاید بهره‌گیری از صنعت ایجاز بلاغی است، به این صورت که در کلماتی اندک معانی بسیار عمیق و تصاویری دقیق از چهره واقعی رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه در انتهای همین سروده با عباراتی اندک تصویری زنده و گویا از فضای ستم آلود فلسطینیان ارائه می‌دهد که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد:

- «هیای... ارکلوهم.. و ارجموهم.../ بالحصی.. و المَقْرَعَة..! / هذا یصیح.. فألجموا فمه../ و دوسوا أضلعه/ و رفیقه متمرّد.. و مقاوم../ رفض الضیعة/ رُشوة بالغاز الممیت، دعوة یلقى مصرعه...! / و تمتعوا بفنائهم.../ و تداولوا كأساً مُدارة/ سجّل أيا تاريخُ/ للجيش اليهودی.. انتصاره...! (الأمیری، ۱۹۷۱: ۴۱)

«زود باشید.../ آن‌ها را لگدمال کنید.. و به طرفشان پرتاب کنید.../ با تکه سنگ .. و بشقاب...!!/ این فریاد می‌زند.. پس دهان او را پوزه ببندید.../ و دست و پایش را لگدمال کنید/ و دوست او شورشی است.. و مقاوم.../ خواری را برنتابیده/ او را با گاز کشنده هدف بگیرید،/ از او بخواهید تا نقش بر زمین شود...!!/ و نابودی او را به دست آورید.../ و جام شادی را بین خود بگردانید/ ثبت کن ای تاریخ/ برای ارتش یهود .. پیروزی‌اش را...!»

اما/ امین پور شرایط سیاسی و اجتماعی مختلفی را در زندگی خود تجربه کرده است. حوادث قبل از انقلاب اسلامی و قیام مردم علیه رژیم پهلوی، سپس حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و بعد از آن تحولات کشور بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی، عمده این شرایط است و از آنجایی که فساد و ستم جامعه ایران حاصل شرایط دوران قبل از انقلاب اسلامی است، بنابراین باید مهم‌ترین اندیشه‌های شاعر را در بیان ظلم و ستم جامعه در اشعار مربوط به شرایط آن دوران مشاهده نمود. هرچند نمونه‌هایی

که مستقیماً به این موضوع بپردازد در شعر او اندک است. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

قیصر نام یکی از مجموعه‌های شعری خود را که برای /مأم خمینی هم سروده است، «تنفس صبح» می‌نامد؛ صبحی که از پسِ شبی تاریک و ظلمانی طلوع می‌کند:

«لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست / لختی بخند، خنده گل زیباست! / پیشانی‌ات تنفس یک صبح است / صبحی که انتهای شب یلداست» (امین پور، ۱۳۹۱: ۴۰۷)

شاعر در مثنوی «فصل وصل» از همین مجموعه، دوران اختناق و ظلم و ستم آن روزگار را «فصل کسالت» نامیده است:

«چار فصل سال را رسم این نبود / هیچ فصلی اینچنین خونین نبود / دارد آن فصل کسالت می‌رود / باز امید اصالت می‌رود» (همان: ۱۳۵)

و در جایی دیگر با «فصل خزان» از آن یاد می‌کند:

«شب، شبی بی‌کران بود / دفتر آسمان پاره پاره / برگ‌ها زرد و تیره / فصل خزان بود / ناگهان نوری از شرق تابید / آتشی در شفق زد / مردی از شرق برخاست / آسمان را ورق زد» (همان: ۲۱۱)

قیصر در بیش‌تر موارد با استفاده از نماد مخصوصاً واژه «شب» به بیان ظلمت، تیرگی و سیاهی آن دوران اشاره می‌کند:

«هان ای خدایگان! / در روز بار عام / حتی / تمثال بی‌مثال شما را / یارایی ادای تظلم نداشتیم / ... باری امید بس عبثی دارید! / زیرا که شب / آبستن طلوع شگفتی است!» (همان: ۱۹۵)

«شب بود و سکوت بود و سوسوی خطر / می‌ریخت غبار ترس در کوی خطر» (امین پور، ۱۳۶۳: ۸۱)

/امین پور در بخش‌هایی از دیوان خود از شرایط بسیار سخت کشور در زمان حمله نیروهای بعثی عراق به خاک ایران سخن می‌گوید. از هجوم خزان جنگ بر بهار انقلاب:

«فصل گل بود و بهار / فصل پر نقش و نگار / باد بی‌رحم خزان / ناگهان از سر دیوار پرید / و بر این باغ وزید / بهترین گل‌ها را / از دل باغچه مدرسه چید / چار گل، چار شهید / همه مدرسه ما غم بود / چارتا غنچه سرخ / در دل باغچه ما کم بود» (همان: ۱۲۹)

امین پور در «شعری برای جنگ» (۱۳۹۵) فضای دهشت بار و غم زده نخستین ماه‌های جنگِ تحمیلی را توصیف می‌کند؛ شبیخون شبانه دشمن، حتی فرصت جیغ کشیدن را به مادران نمی‌دهد:

«هر شب تمام ما/ با چشم‌های زل زده می‌بینیم/ عفریت مرگ را/ کابوس آشنای شب
کودکان شهر/ هر شب لباس واقعه می‌پوشد/ اینجا/ هر شام خاموشانه به خود گفته‌ایم:/
شاید/ این شام، شام آخر ما باشد/ اینجا/ هر شام خاموشانه به خود گفته‌ایم: امشب در
خانه‌های خاکی خواب آلود/ جیغ کدام مادر بیدار است/ که در گلو نیامده می‌خشکد؟»
(همان: ۲۱۱)

شاعر در جایی دیگر از کشتار بی رحمانه کودکان سخن می‌گوید. موشک‌های پی در پی دشمن، سرها و تن‌ها را متلاشی می‌کند، دخترکی با عروسکش خوابیده است اما غرقه در خون، به ابدیت می‌پیوندد، تن بی سر کودکی هراسان به این سو و آن سو می‌رود:

«اما/ من از درون سینه خبر دارم/ از خانه‌های خونین/ از قصه عروسک خون آلود/ از
انفجار مغز سری کوچک/ بر بالشی که مملو رؤیاهاست/ رؤیای کودکانه شیرین/ از آن
شب سیاه/ آن شب که در غبار/ مردی به روی جوی خیابان/ خم بود/ با چشم‌های سرخ
و هراسان/ دنبال دست دیگر خود می‌گشت/ باور کنید/ من با دو چشم مات خودم دیدم/
که کودکی ز ترس خطر تند می‌دوید/ اما سری نداشت/ لختی دگر به روی زمین غلتید/
و ساعتی دگر/ مردی خمیده پشت و شتابان/ سر را به ترک بند دوچرخه/ سوی مزار
کودک خود می‌برد/ چیزی درون سینه او کم بود...» (همان: ۱۸۷)

دعوت به قیام و پایداری

«دعوت به قیام، ایستادگی و ایثار و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری است. آثاری که دارای این ویژگی باشند به رجز نزدیک می‌شوند» (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۵). به بیان دیگر، می‌توان دعوت به پایداری را یکی از پایه‌های ثابت و عنصر برانگیزنده شعر مقاومت بر شمرد. این ویژگی در شعر الأمیری قابل اعتناست به طوری که در لابه‌لای بیش‌تر سروده‌های او می‌توان آثار آن را به خوبی مشاهده نمود. الأمیری در سروده‌ای تحت

عنوان «شهب الحق» (شهب‌های حق) مبارزان فدایی فلسطین را مورد ندا قرار می‌دهد و با توصیف آن‌ها به عنوان شهب‌های روی زمین، از آن‌ها می‌خواهد که سنگین‌ترین ضربات را بر یهود وارد کنند:

«شهب الأرض... / یا جنود فداء! ألحقوا باليهود أدهى خسارة» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۳)

- ای شهب‌های روی زمین..! ای سربازان فدایی / سنگین‌ترین ضربات را بر یهود وارد کنید

الأمیری، ارزش و جایگاه مفاهیم دینی را در تحریک عواطف به خوبی می‌داند، قدرت ایمانی که از دین نشأت می‌گیرد؛ لذا با بهره‌گیری از تصاویر برجسته قرآن کریم به مبارزان می‌گوید که هر تکه سنگی که از دستانشان به سوی دشمن پرتاب می‌شود در حقیقت از طرف خداوند پرتاب شده است که این تصویر اشاره به این آیه قرآن کریم دارد: ﴿وَمَارِمِيْتَ اِذْ رَمِيْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰی﴾ (انفال/۱۷):

«قد رمى الله / إذا رميتم يهود الذلّ / في دولة الردى / المنهارة» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۳)

- خداوند پرتاب کرده است / آنگاه که به سوی یهود خوار پرتاب کردید / در دولت پستی / که فرو خواهد ریخت

لحن خطابی، واژه‌های گرمخون و آهنگ توفنده در رگ رگ کلمات شعر الأمیری جریان دارد. در سروده‌هایش واژه‌ها و عبارات «سرباز» با حالت خطابی و «رزمندگان» با صفت‌هایی از جنس مقاومت بارها تکرار می‌شود که این تکرار در القا و تثبیت مفاهیم و درونمایه شعر و تحریض رزمندگان به قیام تأثیر ژرف و تعیین کننده دارد:

«أنتم الجند.. جنده، / جند دین الله / أشرعتم.. وصنتم شعاره / أنتم جند قرآن ربّ

الکون... / أنتم ستصنعون انتصاره..!» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۴)

- شما سرباز هستید.. سربازان او، / سرباز دین خدا / آن را به اهتزاز درآوردید .. و از حریم آن محافظت کردید / شما سربازان قرآنید و پروردگار هستی... / شما پیروزی را می‌سازید..!

«یا رجوماً مُسوّماتٍ / ومن «سجّیل» صُبّت... / وإن لله غارة» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۴)

- ای سنگسار کننده پلیدی‌ها / و از «سجّیل» بر سرشان ریخته می‌شود... / همانا پیروزی برای خداوند است

نکته دیگر در این باره این است که شاعر سرآغاز بسیاری از این نوع سروده‌ها را با حالت ندا و خطاب آغاز می‌کند؛ گویی در فضای روانی آن لحظه‌ها، مجال تأمل و درنگ یا آوردن مقدمه و زمینه برای ورود به متن در اختیار شاعر نیست:

«شهب الحقّ / یا رجوم الأعادی / من شیاطین...» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۲)

- ای شهاب‌های حق / ای سنگسار کننده دشمنان / از جنس شیطان...

امین پور نیز از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدس گذاشت و با حضور در جبهه‌های جنگ، به خواندن اشعار خود برای روحیه دادن به رزمندگان می‌پرداخت و آنان را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کرد و «با پایان یافتن جنگ حسرت و دریغ جا ماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان، جای خود را به شعر جهاد و مبارزه داد» (صرفی و هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

قیصر در دوران جنگ، ایجاد شور و انگیزه در میان جوانان برای هجوم به سمت خطّ مقدم جبهه‌ها را وظیفه اصلی شعر خود می‌دانست، به طوری که در مجموعه «در کوچه آفتاب» که مقارن با پیروزی انقلاب سروده شده است، فصلی را به «جهاد» اختصاص می‌دهد و با بیانی حماسی از مبارزه و جهاد در برابر دشمن سخن می‌گوید:

ای خصم مرا سر، سرِ جنگ است هنوز در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری زنهار، مرا ناخن و چنگ است هنوز

(امین پور، ۱۳۶۳: ۵۹)

از گوشه چشم یک نظر اندازیم در خرمن دشمنان شرر اندازیم
یا خصم، خود از دست سپر اندازد یا ما زتنش، دست و سپر اندازیم

(همان: ۶۲)

اما ویژگی بارز اشعار قیصر در این موضوع استفاده وی از نماد و رمز است؛ نمادهایی با بهره گیری از مظاهر طبیعت و داستان‌های تاریخی و مذهبی، که با زبانی ساده و قابل فهم به مخاطب ارائه می‌گردد. «قیصر در این گروه از شعرهای خود نمادهایی را می‌سازد که گرچه شاید تکراری باشند، اما نحوه استعمال آن‌ها با آنچه تاکنون شنیده‌ایم، متفاوت

می‌نماید» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۳۷). به عنوان نمونه در شعر زیر شاعر با استفاده از مظاهر طبیعت مانند «آب» و «مرداب» و با شیوه‌ای نمادین، «آب» را رمز جنبش و تحرک برای رسیدن به اصل وجودی خود و وصول به دریای کمال مطلق می‌داند و مخاطب را به مبارزه در مسیر تحقق انقلاب فرا می‌خواند:

«روان و پاک و بی‌تابیم، بی‌تاب/ که گر ماندیم مردابیم، مرداب/ تو گویی واژه
«ماندن» ندارد/ کتاب پیروان مذهب آب» (همان: ۶۸)

/امین پور در «شعری برای جنگ» با استفاده از اصطلاح محلی رود رود، به معنای فرزند که مادر هنگام مرگ فرزندش سر می‌دهد، مردم را به ادامه مبارزه تهنیت می‌کند:
«باید گلوی مادر خود را/ از بانگ رود رود بسوزانیم/ تا بانگ رود رود نخشکیده است/
باید سلاح تیز تری برداشت» (همان: ۳۸۹)

همچنین در سروده‌ای دیگر با استفاده از داستان حضرت /ابراهیم(ع)، فرستادن جوانان کشور به سوی جنگ را به دستور قربانی کردن /اسماعیل(ع) توسط /ابراهیم(ع) از سوی خداوند تشبیه می‌کند:

دل در تب لبیک تاول زد ولی ما لبیک گفتن را، لبی هم تر نکردیم
حتی خیال نای اسماعیل خود را همسایه با تصویری از خنجر نکردیم

(همان: ۸۸)

همچنین در شعر «باد بی‌قراری» با بهره‌گیری از داستان حضرت یوسف(ع) سرنوشت رزمندگان شهید را با سرنوشت یوسف(ع) درمی‌آمیزد:
«این بوی غربت است/ که می‌آید/ بوی برادران غریبم/ شاید/ بوی غریب پیرهنی پاره/
در باد/ نه!! این بوی زخم‌گرگ نباید باشد/ من بوی بی‌پناهی را/ از دور می‌شناسم: /.../
بوی پر کبود کبوتر را/ در چاه...» (همان: ۳۳۵)

ایجاد حسّ ملی گرایانه

عشق به وطن یا میهن دوستی یکی از ویژگی‌های مثبت آدمی است که در آیین‌های الهی نیز از آن به عنوان صفتی نیکو و پسندیده یاد شده است. این تعلق خاطر گاه چنان رنگ افراط به خود گرفته که از آن به میهن پرستی تعبیر شده است. /الأمیری در برخی

سروده‌های خود برای ایجاد حسّ ملی گرایانه و همچنین انتقادی زیرکانه از سستی و ضعف عرب‌ها در مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی، با پلی به گذشته، فر، شکوه و عظمت گذشته عرب‌ها را با زیبایی هرچه تمام‌تر به آن‌ها یادآوری می‌کند. به عنوان نمونه در سروده‌ای با عنوان «عزیز فی الأغلال» بیان می‌کند که قوم عرب روزگاری نماینده رسالت و پاسداری از حریم دین بودند و استیلای آنان سرزمین‌های وسیعی را پوشش می‌داد:

«ویلی ..أنا «العربی» / مسؤول الرسالة والحصانة / الباسط السلطان / فی رحب المهامة والنّجود» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۰)

- وای بر من.. من «عرب» هستم / نماینده رسالت پیامبری و پاسداری از حریم آن / فرمانروای گشاده دست / در دشت‌ها و تپه‌های پهناور

در ادامه این سروده شاعر برای تحریک بیش‌تر احساسات به صفت‌هایی اشاره می‌کند که یک فرد عربی در گذشتگان دور به آن‌ها افتخار می‌کرد، صفت‌هایی چون «فرزند گرامی‌ترین‌ها»، «مؤمن»، «باشهامت»، «شکننده قید و زنجیر»:

«ویلی.. أنا «ابن الأکرمین»... / وکم وعی ورعی زمانه..! / المؤمن.. الشهم.. / الأبّی الضیم.. / من حطّم القيود..!» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۰)

- وای بر من من «فرزند گرامی‌ترین‌ها هستم»... / و چه اندازه که روزگار خود را آگاهی داد و حکمفرمایی کرد..! / مؤمن... با شهامت.. / جسور و بی باک.. / کسی که که زنجیرها را گسست..!

سپس شاعر اوضاع و احوال اندوهناک آن‌ها را به نمایش می‌گذارد، اسارت در زنجیر ذلت و خواری، به تاراج رفتن عزّت و شکوهمندی آن‌ها از آن جمله است.

«ویلی .. أ أخنّع فی صفاذ الذلّ / أحیا فی مهانة! / وینال... / بل یغتال عزة أمتی / بغی اليهود..؟! / رحم الإله «أبا جهاد» قتله... / أدمی فؤادی... / ما حیلتی... فی ثاره.. / وأنا المکتب... / فی بلادی..؟!» (الأمیری، ۱۹۷۱: ۳۱)

- وای بر من .. آیا در زنجیر ذلت خوار بشوم / در پستی زندگی کنم! / و دست می‌یابد... / حتی عزّت اّمتم را به تاراج می‌برد / آیا یهود تجاوز کرد..؟! / خداوند رحمت کند «جهادگری» را که قتل او... / دلم را خونین ساخت... / چاره من چه خواهد بود... برای انتقامش.. / و من در بندم / در سرزمین خودم..!?!

امین پور نیز در اشعار خود توجهی ویژه به هویت ایرانی اسلامی دارد. وی در شعر «حکم آغاز طوفان» حکایت کننده داستان مردمی از نسل خون و شهادت است که پشت در پشت در برابر متجاوزان ایستادگی کرده‌اند:

«نسل در نسل / از تبار جنون، پشت در پشت» (امین پور، ۱۳۹۱: ۳۵۴)

امین پور در قطعه‌ای دیگر اشاره می‌کند که مردم دریایی سرزمینش به سان ماهی‌های دریای بیکرانِ امواج آزادی، در قفس‌های کوچک دشمنان و متجاوزان جای نمی‌گیرند:

در قفس، دریا نمی‌گنجد ز آن که کار موج پرواز است
ما همان دریای آزادیم دشمن ما آن قفس ساز است

(همان: ۲۹۱)

به این ترتیب /المیری با بکارگیری تمام توان شعری خود، بارقه‌های امید را دل مبارزان فلسطینی روشن نگاه می‌دارد تا بار دیگر شکوه و عظمت گذشته خود را بازیابند و به جهانیان نشان دهند که پیروزی در نهایت از آن بندگان صالح خداوند خواهد بود.

امین پور در شعر «زنهار» با لحنی تند و شعار گونه، دشمن را با یک نگاه خشم آگین تهدید به نابودی می‌کند:

از گوشه چشم یک نظر اندازیم در خرمن دشمنان شرر اندازیم
یا خصم، خود از دست سپر اندازد یا ما ز تنش، دست و سپر اندازیم

(همان: ۱۹۵)

نتیجه بحث

المیری و امین پور در اشعار پایداری خود آرمان‌گرا هستند، آن دو هیچ‌گاه بر کوتاهی مردم ستم‌دیده نمی‌تازند بلکه سعی می‌کنند با احساسات عمیق خود پیام آور امید و روزهایی بهتر برای مظلومان باشند.

دو شاعر معتقدند که عزت، کرامت و آینده تابناک تنها از رجم شهادت و مقاومت آبدستن خواهد شد. آن دو ستایش افرادی را که در راه وطن دست به عملیات‌های

استشهادی زدند و به درجه شهادت نائل شدند، بر خود واجب می‌دانند؛ زیرا آن‌ها منبع امید و چراغ هدایت برای انقلابیان هستند.

دین در شعر این دو شاعر، عامل مهمی است که باعث شده آن دو نگاهی امیدوارانه به وقایع سرزمین‌های اشغالی داشته باشد، زیرا آموزه‌های دین مبین اسلام، پیروزی نهایی حق بر باطل وعده داده‌اند. دادن الگوهای مقاومت دینی، و کثرت آیه‌های قرآن و حدیث نبوی عوامل مهمی در توجه ویژه دو شاعر به مضمون دین است.

کتابنامه

قرآن کریم.

امین پور، قیصر. ۱۳۹۱ش، **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**، چاپ نهم، تهران: انتشارات مروارید.

بهاء الدین الأمیری، عمر. ۱۹۷۱م، **دیوان حجارة من سجيل**، بیروت: دار الفتح.

سنگری، محمد رضا. ۱۳۸۹ش، **ادبیات دفاع مقدس**، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

عمادی، اسدالله. ۱۳۷۰ش، **جهان بینی و زیبایی شناسی حافظ**، تهران: دی.

قمیحه، مفید. ۱۹۸۱م، **الاتجاه الإنسانی فی الشعر العربی المعاصر**، بیروت: انتشارات دار الآفاق الجديدة.

محقق، جواد. ۱۳۸۷ش، **شکفتن در آتش**، تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت.

محمود العرینی، وائل مصباح. ۲۰۰۷م، **القییم الروحیة فی شعر عمر بهاء الدین الأمیری**، غزة: جامعة الاسلامیة.

هاشم رشید، هارون. بی تا، **الشعر المقاتل فی الأرض المحتلة**، بیروت: المكتبة العصرية.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

اقتصادی نیا، سایه. «**مروری بر کارنامه شعر قیصر امین پور**»، نامه فرهنگستان، ۱۳۸۹ش، شماره دوم، صص ۴۱-۵۳.

صرفی، محمد رضا و سید رضا هاشمی. «**دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور**»، ادبیات پایداری کرمان، ۱۳۹۰ش، شماره چهارم، صص ۱۲۴-۱۴۰.

علی زاده، ناصر و عباس باقی نژاد. «**قیصر امین پور و رویکرد نوستالژیک**»، بوستان ادب، ۱۳۹۱ش، شماره دوم، صص ۹۰-۱۱۷.

فتوحی، محمود. «**سه صدا، سه رنگ، سه سبک**، در شعر قیصر امین پور»، ادب پژوهی، ۱۳۸۷ش، شماره پنجم، صص ۷۹-۹۳.

نوری بکار، محمد. بی تا، «**الاتجاه الإسلامی فی الشعر الحدیث فی الشام**»، رساله دکتوراه، مصر: جامعة الأزهر.

